

ثبت سفارش واردات خودروی اشخاص رسماً آغاز شد واردات کدام خودروها ممنوع شد؟

صفحه ۷



نیاز اقتصاد ایران

گزارش «تعادل» از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در انرژی‌های تجدیدپذیر پشت پرده سبز!

صفحه ۳

تلاش دولت برای ثبات ارزی ادامه دارد

ماندگاری تورم در کانال ۳۲ درصدی

ماه مشابه سال قبل، ۳۱.۸ درصد افزایش و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۲ درصد افزایش داشته‌است.

منظور از تورم نقطه به نقطه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است. در دی ماه ۱۴۰۳ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳۱.۸ درصد بوده‌است؛ یعنی خانوارهای کشور به‌طور میانگین ۳۱.۸ درصد بیشتر از دی ماه ۱۴۰۲ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه دی ماه ۱۴۰۳ در مقایسه با ماه قبل، ۰.۴ واحد درصد افزایش داشته‌است. منظور از تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه قبل است. در دی ماه ۱۴۰۳ تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲.۹ درصد بوده‌است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۳.۲ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات»، ۲.۸ درصد بوده‌است. منظور از نرخ تورم سالانه،

در شرایطی که با تغییرات قیمتی، در بازار ارز رکودی نسبی به وجود آمده، جدیدترین گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که نرخ تورم در دی ماه امسال روند کاهشی خود را ادامه داده‌است. البته تورم نقطه به نقطه افزایش نسبی در بازارهای اصلی باشد. هر چند تحت تاثیر تحولات و تامل‌های سیاسی در هفته‌های گذشته، گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره امکان افزایش جدی قیمت‌ها به وجود آمده بود، اما دولت فعلاً توانسته از ایجاد یک شوک جدید تورمی جلوگیری کند و گزارش جدید مرکز آمار درباره تحولات قیمتی در ماه گذشته این موضوع را اثبات می‌کند. طبق اعلام مرکز آمار، در دی امسال نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۲ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل ۰.۵ واحد درصد کاهش یافته‌است. در دی ماه ۱۴۰۳ شاخص قیمت خصوصی فلزات می‌شود این نظام تعرفه‌گذاری باعث رشد قیمت جهانی شده و شرکت‌های ایرانی که در این بخش فعالیت می‌کنند، با درآمد و سود بالاتری مواجه می‌شوند. موضوع دوم، رشد بورس طی ۲ ماه اخیر است. رشدی که از آبان شروع شد و تا اواخر آذر و اواسطه دی تداوم داشت. این رشد ناشی از جاماندگی ۲ ساله بازار سهام در مواجهه با تحولات کلان بود. با رشد اخیر بخشی از این جاماندگی جبران شد و بازار به سمت تعادل جدید سوق پیدا کرد. از سوی دیگر، ایده تکنرخی کردن ارز که نهایتاً باعث رشد نرخ ارز شد، باعث افزایش درآمد و سودآوری شرکت‌های صادراتی شده است. هر چند نمی‌توان کتمان کرد که این رویکرد قیمت محصولات مصرفی مردم را بالا برده و هزینه‌های بیشتری در اقتصاد ایران به خانواده‌ها تحمیل کرده‌است. معتمد هر چند اصل سیاست تکنرخی کردن ارز سیاست درستی است و من و بسیاری از کارشناسان دیگر هم با آن موافقم می‌باشم. اما در عین حال اعتقاد دارم که در شرایط امروز کشور اجرای آن دشوار است. در روزهای ابتدایی که آقای همتی این سیاست را اعلام کردند من ضمن تقدیر و تشکر از ایشان گفتیم اگر دولت بتواند به تمام نیازهای ارزی جامعه از جمله نیاز واردکننده‌ها، صادرکننده‌ها، خانواده‌هایی که برای حفظ ارزش پول، پرداخت شهریه دانشجویان خارج از کشور و... پاسخ درست دهد به گونه‌ای که کسی برای تعیین ارز نیازی به مراجعه به بازار آزاد نداشته باشد در آن صورت دولت در اجرا سیاست تکنرخی کردن موفق بوده‌است. اما اگر دولت نتواند به همه نیازهای ارزی جامعه پاسخ دهد، ایده تکنرخی کردن ارز می‌تواند به ریسک‌های زیادی در در دست نخواهد بود. کمالات‌آموز که همین اتفاق رخ داده است، باعث ثبت سفارش‌ها، تخصیص ارز بانک مرکزی و مجموعه مقرراتی که برای مرکز مبادله ارز و طلا گذاشته شده‌است، عملاً به نیازهای همه اقشار مردم و همه افرادی که به نیازهای خود نیاز دارند، پاسخ می‌دهد. این اتفاق رخ داد و به معنای دقیق و با رانندگی، پاسخ داده نمی‌شود. همین امر باعث شکل‌گیری بازار دومی می‌شود. بازار دوم اما به فاصله قیمتی شکل می‌گیرد و چون چندسال است این قضا وجود دارد و شبکه‌بزرگی از ذینفعان از این رانت بهره می‌برند، هر زمان که نرخ دولتی ارز افزایش می‌یابد، آنها هم نرخ آزاد را به همان نسبت افزایش می‌دهند. به گونه‌ای که سود حداقل ۲۰ درصد و حداکثر ۷۰ درصدی مورد نظر آنها تضمین شود. در یک چنین شرایطی دولت هر اندازه نرخ ارز توافق را بالا ببرد، فقط باعث افزایش نرخ بازار آزاد و تحمیل هزینه‌های بیشتر به خانواده‌ها می‌شود. به همین دلیل اعتقاد دارم تا زمانی که نتوانیم این سیاست‌ها را به درستی اجرا کنیم (که امروز اینگونه است) این سیاست برای کشورمان، سیاست درستی نخواهد بود. اما حضور ترامپ در کاخ سفید چه شرایطی را پیش روی کشور ایجاد می‌کند؟ هنوز از زبان ترامپ راهبرد دقیق امریکا در قبال ایران اعلام نشده است. اما روشن است که ترامپ باهوش است و تاریخ را خوانده است. او خوب می‌داند که سخت‌گیری‌هایی که پس از جنگ جهانی اول در قالب عهدنامه ورسای ایجاد شده است، با توجه به شرایط منطقه بحرانی تر نشود. او به دنبال روابط هوشمندانه‌تری با ایران و کره شمالی است. اما اینکه این راهبرد تازه شبیه قرارداد و معاهده جدید شبیه برجام ۲ خواهد بود، از واسطه‌هایی چون عمان، عراق و قطر و... استفاده می‌کند موضوع دیگری است. اما بدون تردید می‌توان گفت که هنگامه متفاوتی برای اقتصاد ایران از راه خواهد رسید.

یادداشت - ۱

ترامپ و روابط هوشمندانه تر با ایران



علیرضا توکل

متغیرهای مختلفی طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر در فضای عمومی و اقتصادی کشورمان شکل گرفته که لازم است درباره آن صحبت شود. از حذف ارز نیما و راندازی بازار ارز توافق گرفته تا تحولات تورم، به تیش غزه و نهایتاً حضور ترامپ به عنوان رئیس جمهور امریکا، همگی متغیرهای مهمی محسوب می‌شوند. اگر قرار باشد تحلیلی در اقتصاد کلان کشور با توجه به رخدادهای اخیر، حضور ترامپ و عده‌هایی که قبلاً داده و تصمیماتی که طی الی ۲ روز نخست حضورش در کاخ سفید اتخاذ کرده داشته باشیم باید به اثرات این حضور در بازارهای جهانی اشاره کنیم. این اثرات باعث تغییر قیمت مواد خوراکی، غلات، فلزات رنگی و برخی کالاهای صنعتی می‌شود. بررسی این تحولات نیازمند یک تحلیل جدی است که در یک فرصت کوتاه ممکن نیست. تاجایی که به ایران مربوط می‌شود، تعرفه‌هایی که امریکایر کالاهای چینی وضع می‌کند باعث افزایش قیمت برخی کالاها به خصوص فلزات می‌شود. این نظام تعرفه‌گذاری باعث رشد قیمت جهانی شده و شرکت‌های ایرانی که در این بخش فعالیت می‌کنند، با درآمد و سود بالاتری مواجه می‌شوند. موضوع دوم، رشد بورس طی ۲ ماه اخیر است. رشدی که از آبان شروع شد و تا اواخر آذر و اواسطه دی تداوم داشت. این رشد ناشی از جاماندگی ۲ ساله بازار سهام در مواجهه با تحولات کلان بود. با رشد اخیر بخشی از این جاماندگی جبران شد و بازار به سمت تعادل جدید سوق پیدا کرد. از سوی دیگر، ایده تکنرخی کردن ارز که نهایتاً باعث رشد نرخ ارز شد، باعث افزایش درآمد و سودآوری شرکت‌های صادراتی شده است. هر چند نمی‌توان کتمان کرد که این رویکرد قیمت محصولات مصرفی مردم را بالا برده و هزینه‌های بیشتری در اقتصاد ایران به خانواده‌ها تحمیل کرده‌است. معتمد هر چند اصل سیاست تکنرخی کردن ارز سیاست درستی است و من و بسیاری از کارشناسان دیگر هم با آن موافقم می‌باشم. اما در عین حال اعتقاد دارم که در شرایط امروز کشور اجرای آن دشوار است. در روزهای ابتدایی که آقای همتی این سیاست را اعلام کردند من ضمن تقدیر و تشکر از ایشان گفتیم اگر دولت بتواند به تمام نیازهای ارزی جامعه از جمله نیاز واردکننده‌ها، صادرکننده‌ها، خانواده‌هایی که برای حفظ ارزش پول، پرداخت شهریه دانشجویان خارج از کشور و... پاسخ درست دهد به گونه‌ای که کسی برای تعیین ارز نیازی به مراجعه به بازار آزاد نداشته باشد در آن صورت دولت در اجرا سیاست تکنرخی کردن موفق بوده‌است. اما اگر دولت نتواند به همه نیازهای ارزی جامعه پاسخ دهد، ایده تکنرخی کردن ارز می‌تواند به ریسک‌های زیادی در در دست نخواهد بود. کمالات‌آموز که همین اتفاق رخ داده است، باعث ثبت سفارش‌ها، تخصیص ارز بانک مرکزی و مجموعه مقرراتی که برای مرکز مبادله ارز و طلا گذاشته شده‌است، عملاً به نیازهای همه اقشار مردم و همه افرادی که به نیازهای خود نیاز دارند، پاسخ می‌دهد. این اتفاق رخ داد و به معنای دقیق و با رانندگی، پاسخ داده نمی‌شود. همین امر باعث شکل‌گیری بازار دومی می‌شود. بازار دوم اما به فاصله قیمتی شکل می‌گیرد و چون چندسال است این قضا وجود دارد و شبکه‌بزرگی از ذینفعان از این رانت بهره می‌برند، هر زمان که نرخ دولتی ارز افزایش می‌یابد، آنها هم نرخ آزاد را به همان نسبت افزایش می‌دهند. به گونه‌ای که سود حداقل ۲۰ درصد و حداکثر ۷۰ درصدی مورد نظر آنها تضمین شود. در یک چنین شرایطی دولت هر اندازه نرخ ارز توافق را بالا ببرد، فقط باعث افزایش نرخ بازار آزاد و تحمیل هزینه‌های بیشتر به خانواده‌ها می‌شود. به همین دلیل اعتقاد دارم تا زمانی که نتوانیم این سیاست‌ها را به درستی اجرا کنیم (که امروز اینگونه است) این سیاست برای کشورمان، سیاست درستی نخواهد بود. اما حضور ترامپ در کاخ سفید چه شرایطی را پیش روی کشور ایجاد می‌کند؟ هنوز از زبان ترامپ راهبرد دقیق امریکا در قبال ایران اعلام نشده است. اما روشن است که ترامپ باهوش است و تاریخ را خوانده است. او خوب می‌داند که سخت‌گیری‌هایی که پس از جنگ جهانی اول در قالب عهدنامه ورسای ایجاد شده است، با توجه به شرایط منطقه بحرانی تر نشود. او به دنبال روابط هوشمندانه‌تری با ایران و کره شمالی است. اما اینکه این راهبرد تازه شبیه قرارداد و معاهده جدید شبیه برجام ۲ خواهد بود، از واسطه‌هایی چون عمان، عراق و قطر و... استفاده می‌کند موضوع دیگری است. اما بدون تردید می‌توان گفت که هنگامه متفاوتی برای اقتصاد ایران از راه خواهد رسید.



توصیه صریح رهبر انقلاب در دیدار کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی:

حمایت از بخش خصوصی دستگاه‌های دولتی نظارتی نباید سرعت‌گیر بخش خصوصی باشند

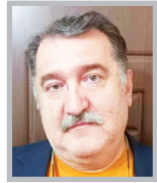
۲

یادداشت - ۲

ایران واقف خروج از لیست سیاه FATF

ایران واقف خروج از لیست سیاه FATF قرار است در سطح ملی از طریق قوانین و سایر اقدامات الزام‌آور قانونی اجرا شوند. در مقطعی یادداشت‌های تفسیری برای توصیه‌های خود صادر کرد و در نهایت در سال ۲۰۱۷ FATF توصیه‌ها و یادداشت‌های تفسیری خود را در یک سند تدوین کرد. کار گروه ویژه اقدام مالی همچنین پیشرفت در اجرای توصیه‌های خود را از طریق بررسی همتایان کشورهای عضو نظارت می‌کند. این همان چیزی است که FATF آن را ارزیابی متقابل می‌نامد. FATF عملکرد یک کشور را بر اساس روش ارزیابی خود ارزیابی می‌کند که دو عنصر را در بر می‌گیرد. اولین مورد انطباق فنی است که در مورد چارچوب قانونی و نهادی و اختیارات و رویه‌های مراجع ذیصلاح است. دوم ارزیابی اثر بخشی است که در مورد میزانی است که چارچوب قانونی و نهادی نتایج مورد انتظار را تولید می‌کند. FATF حوزه‌ها و کشورهایی را که در فهرست سیاه قرار دارند، به عنوان کمبودهای استراتژیک قابل توجهی در رژیم‌های خود برای مقابله با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و تأمین مالی اشاعه تروریسم می‌کند. در واقع وقتی ایران و کره شمالی در لیست سیاه FATF قرار می‌گیرند، تنها توصیه‌هایی به سایر اعضا در مورد ابهامات موجود در فعالیت‌های این دو کشور ارائه می‌شود. توصیه‌های FATF هیچ الزامی ندارند، اما کشورها با توجه به اعتبار این نهاد، از توصیه‌های ارائه شده توسط او استفاده کاملی می‌کنند. FATF در مورد همه کشورهای عضو که در لیست سیاه قرار دارند، از همه اعضا و از همه حوزه‌های قضایی می‌خواهد نسبت به آنها دقت

پس از تلاش دولت چهاردهم برای طرح دوباره FATF، لازم است ابعاد و زوایای گوناگون این امر از منظر تحلیلی مورد بررسی قرار بگیرد. مرتبط‌ترین کار مهم‌ترین ابزار FATF به اصطلاح توصیه‌های FATF است. این توصیه‌ها برای خود سابقه بلندیابی دارند و تبعاتی قابل توجهی را ایجاد می‌کنند. سال ۱۹۹۰ سال است که FATF برای اولین بار ۴۰ توصیه اولیه خود را در مورد پولشویی صادر کرد. این ابزار اصلی سیاست صادر شده توسط FATF بوده و هست. این توصیه‌ها در سطح جهانی به عنوان استاندارد جهانی در مبارزه با پولشویی دیده می‌شود. بسیاری از کشورها متعهد شده‌اند که چهل توصیه را اجرا کنند. این توصیه‌ها سیستم عدالت کیفری و اجرای قانون، همکاری بین‌المللی و سیستم مالی و مقررات آن را پوشش می‌دهد. در مورد تاریخچه توصیه‌های FATF در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳ چهل توصیه را به‌طور کامل بازنگری کرد. در اکتبر ۲۰۰۱، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده، هشت توصیه ویژه در مورد تأمین مالی تروریسم صادر کرد. بعداً یک توصیه ویژه دیگر اضافه شد. ۴۰ توصیه در مورد پولشویی و ویژه در مورد تأمین مالی تروریسم با هم استاندارد بین‌المللی را برای اقدامات ضد پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اقدامات تروریستی تعیین می‌کند. هر دو مجموعه از توصیه‌های FATF



مهدی حاجی زاده فلاح

آینده روشن بازار سرمایه

محسوب می‌شود. همچنین باید نرخ ارز به صورت ثابت و تکنرخی شود و از نوسانات مقطعی پرهیز کرد. علاوه بر این، سیاست‌های پولی نیز باید تعدیل شوند و نرخ بهره کاهش پیدا کند. این اصلاحات به این معناست که ما باید ریسک‌های سیستماتیک موجود در اقتصاد را کاهش دهیم که در حال حاضر باعث شده ضریب کفایت سرمایه کاهش یافته است. FATF این پالس را به سایر اعضا و جامعه جهانی اتفاق می‌افتد که رشد بازار بر اساس دلایل غیر بنیادی یا بیش از حد باشد. رشدی که در مقطع فعلی داشتیم، رشدی بنیادی و طبیعی بوده است و فرضیه ریزش مطرح نیست. گزارش‌های ۹ ماهه شرکت‌ها نشان می‌دهد که وضعیت بسیاری از صنایع رو به رشد بوده است. به نظر می‌رسد که محدوده ۲ میلیون و ۲۷۰ تا ۲۸۰ میلیون و ۷۵۰ هزار واحد، به یک حمایت معتبر در بازار تبدیل شود. از این به بعد، دولت و شبه‌دولتی، ما می‌توانیم ارزش بازار سرمایه خود را به ۴۰۰ و حتی ۵۰۰ میلیارد دلار برسانیم. بر نامه‌ریزی دقیق و اجرای صحیح این سیاست‌ها، دستیابی به این هدف در برنامه هفتم توسعه کاملاً

ارزش دلاری این بازار باید حداقل ۴۰۰ میلیارد دلار برسد. این موضوع همان طور گذشته به آن اشاره کرد، نه تنها یک هدف است، بلکه یک ضرورت برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود. ارزش دلاری بازار سرمایه بسیار مهم و حیاتی است. این به ۴۰۰ میلیارد دلار برسد. این رقم نه تنها یک هدف است، بلکه یک ضرورت اقتصادی نیز محسوب می‌شود. در واقع، ۴۰۰ میلیارد دلار معادل ارزش جایگزینی بازار سرمایه ماست و حتی با توجه به پتانسیل‌های موجود می‌تواند بسیار بالاتر هم برود. رسیدن به این رقم نیازمند انجام اقداماتی جدی است. اولین و مهم‌ترین مساله، بر طرف کردن قیمت گذاری دستوری است که مانع اصلی رشد واقعی بازار سرمایه



بهمن فلاح

راهبردی است؛ «رفع فقر» و «به حداقل رساندن فاصله از پیشگام‌ها». از این زاویه، گزارش‌های رسمی به شفافیت خود مامی گویند. نظام اداره کشور از کارکرد فادانده به مرغ خدود تخریبی رسیده است. بنابراین باید ماجرا جدی گرفته شود و با رفق کاری و جابه‌جا کردن افراد مشکل حل نمی‌شود.

سنسورهای نظام تدبیر امور در ایران، از کار افتاده‌اند و دچار نوعی از کارکرد افتادگی سیستمی شده است. در این شرایط بسیار اهمیت دارد که همه مسائل مان را به معنای دقیق کلمه، فرآینحی و فرآینحی و ملی بینیم. در تدبیر و تمشیت امور به صورت فرمانی و از بالا و بدون جلب مشارکت و به رسمیت شناختن‌ها، هیچ پیشرفتی وجود نخواهد داشت. در اقتصاد سیاسی گفته می‌شود ما با تقدم امر سیاسی روبرو هستیم، یعنی اینکه بتوانید بدون دست زدن به ساختار معیوب سیاسی که مشارکت‌ها و رانتی است، ایجاد بهبود عملکرد اقتصادی، امکان ندارد. با رفق کاری و ظاهر سازی، دیگر نمی‌شود کارها را جلو برد و با هر یک لحظه تأخیر در این زمینه، هزینه‌های بسیار گزافی را خواهیم پرداخت. دکتر فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که در «همایش ملی حکمرانی توسعه» با عنوان «اقتصاد سیاسی بحران نظام تدبیر» و در «خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی» سخن می‌گفت، با بیان اینکه ما وارد ورطه‌ای شده‌ایم که هزینه‌های هر لحظه غفلت از شناخت عالمانه و سازماندگی عالمانه امور و جلب مشارکت همگان برای سرنوشت‌سازی در کشور، به شدت در حال افزایش است، خاطر نشان کرد: سنسورهای نظام تدبیر امور در ایران، از کار افتاده‌اند و دچار نوعی از کارکرد افتادگی سیستمی شده است. در این شرایط بسیار اهمیت دارد که همه مسائل مان را به معنای دقیق کلمه، فرآینحی و فرآینحی و ملی بینیم.

هنوز نتوانسته‌ایم به تولید سرانه ناخالص سال ۱۳۵۶ خودمان برسیم

وی توضیح داد: برای نمونه، گفته می‌شود یکی از موفق‌ترین تجربه‌های توسعه در نیم قرن گذشته، چین بوده است. این کشور در چهل ساله ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۹، قادر به رفع فقر از ۷۳۰ میلیون نفر شده است. سه چهارم از کل آمارهای جهانی درباره کاهش فقر، منحصراً به کارنامه چین مربوط می‌شود. این کشور در فاصله ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، اندازه تولید ناخالص داخلی اش را برابر کرده است. وقتی با داده‌های ایران، مقایسه می‌کنیم می‌بینیم در دورانی که بی‌سابقه‌ترین سطوح درآمدهای ارزی را داشتیم، اندازه جمعیت فقیرمان از حدود ۱۰ میلیون نفر در ۱۳۸۹ به حدود ۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ رسیده است و گواهی‌های رسمی می‌گوید گزارش ۱۴۰۰ بسیاری آبرومندانه‌تر از سال‌های بعدی آن است. ما با این استاندارد، به به قیمت‌های ثابت هنوز نتوانسته‌ایم به تولید سرانه ناخالص سال ۱۳۵۶ خودمان برسیم. چند برابر کردنش پیشکش!

سیستم به سمت خود تخریبی حرکت می‌کند

به گزارش جباران، مومنی گفت: وقتی ما این دو شاخص نگاه می‌کنیم، یقین می‌کنیم که اوضاع خوب نیست و خوب نبودن اوضاع، بابی‌شمار، گواهی‌های دیگر هم مشاهده می‌شود. سیستم به سمت خود تخریبی و خود ساختارحالی حرکت می‌کند. سیستم از کارکرد افتاده و هم سنسورهای کار نمی‌کند و علامت نمی‌دهد. به همین دلیل است که در حالی که کشور در حال فروپاشی است، عده‌ای از فرط خوشی و احساس موفقیت نمی‌دانند چه کنند! اینها ما انتقاد می‌کنند که شما چرا این موفقیت‌ها را احساس نمی‌کنید؟

اگر این روند استمرار پیدا کند، اوضاع مابسیار نگران‌کننده می‌شود

استاد گروه بر نامه‌ریزی و توسعه اقتصادی یادآور شد: یکی از گرفتاری‌های این سیستم این است که به طرز افراطی، مد آرایی و متزع از واقعیت‌های حرف می‌زند و عمل می‌کند. در دهه ۱۳۹۰، تعداد شرکت‌های دانش بنیان در ایران، رشدی بالغ بر ۱۲ هزار و ۷۰۰ درصد را تجربه کرده است. بعد در همان دوره، ما با بی‌سابقه‌ترین روندهای سقوط بهره‌وری کل عوامل تولید و رابطه مبادله که ناظر بر توان رقابت و مقاومت اقتصادی ملی است، روبرو بودیم. در کنار آن فقرهای بی‌سابقه راهم تجربه کردیم به طوری که برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ۷۰ ساله گذشته ایران، اندازه جمعیت فقیرمان در عرض سه سال دو برابر شده است و از این نظر رکوردی جهانی هم محسوب می‌شود. اینها به ما می‌گویند اگر نخواهد این روند استمرار پیدا کند، اوضاع مابسیار نگران‌کننده‌تر از آن چیزی که به تصور تان می‌آید می‌شود.

ادامه در صفحه ۳